

حسین میرمحمد صادقی در گفت‌وگو با روزنامه «شرق»:

رییس‌جمهور منتخب

تکلیف اصول بر زمین‌مانده قانون اساسی را روشن کند

ادامه از صفحه ۷

باشد که رییس‌جمهور اصولی را که بر زمین مانده و اجرا نشده است به عنوان رییس قوه‌مجریه و مسوول اجرای قانون اساسی زمینه اجرای آن را فراهم بیاورد و مشکلات را برطرف کند تا قانون اساسی در آن حوزه قابلیت اجرایی پیدا کند.

اما اینکه برود و دخالت کند در سایر قوا که هر قوه‌ای در بحث اجرای قانون اساسی چه می‌کند و تصمیم در این مورد بگیرد، شاید نتوان در آن حد رییس‌جمهور را صاحب حق و اختیار دانست.

✎ پس می‌توان گفت که اجمال در برخی اصول قانون اساسی باعث شده که تفسیرهای مختلف از این اصول صورت گیرد؟

برخی از اصول قانون اساسی اجمال دارد و موارد مختلف را به تفصیل بیان نکرده است. البته چاره‌ای هم جز این نیست، چون قانون اساسی نمی‌تواند وارد تفصیل مطالب شود، بلکه تنها به ذکر یکسری از اصول بنیادین بسنده می‌کند و این وظیفه قانون عادی است که اصول مختلف قانون اساسی و دامنه آنها را تبیین کند

✎ علت اینکه قانون اساسی به صورت کلی نوشته شده تا برای عملیاتی‌شدن اصول آن هم نیازمند تصویب قانون عادی و هم تفسیر باشیم، چیست؟

اینکه باید قانون و قانون اساسی به نوعی نوشته شود که خیلی تفسیر بردار و کشدار نباشد درست است. اما از این طرف هم نباید فراموش کرد که اجرای یک‌چنین چیزی به‌طور کامل ممکن نیست، یعنی وقتی ما قانونی می‌نویسیم طبعاً قانون هم صفحاتش و هم تعداد موادش محدود است و اگر بخواهیم تمامی جزئیات را در قوانین مشخص کنیم، باید حجم قوانین را ۱۰ برابر یا بیشتر نسبت به آنچه که الان است افزایش دهیم. به این ترتیب، گاه تفسیر مواد و اصول اجتناب‌ناپذیر است. به همین دلیل هم خود در قانون اساسی تفسیر قانون اساسی بر عهده شورای نگه‌ای نهاده شده است.

البته متأسفانه گاهی شورای نگهبان در برخی از تفسیرهایش به گونه‌ای عمل کرده است که در واقع اصل را بی‌معنا کرده و دیگر اسمش تفسیر نیست. به عنوان مثال اصل ۸۶ قانون اساسی به مصونیت نمایندگان مجلس در قبال آرای‌ی که در مجلس می‌دهند یا نظراتی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی بیان می‌کنند، اشاره دارد.

این اصل در قانون اساسی ذکر شده اما در مجلس ششم که به دلیل اختلافاتی که بین قوه‌قضاییه و مقننه راجع به این مساله حادث شد، رییس وقت قوه‌قضاییه تفسیر این اصل را از شورای نگهبان خواست که شورای نگهبان در تفسیر خود گفت که منظور از مصونیت نمایندگان، مصونیت تا جایی است که نمایندگان مرتکب جرم نشوند! در حالی که این تفسیر خلاف خود اصل است چراکه اگر قرار بود مصونیت فقط در حدی باشد که جرم انجام ندهند، همگان تا وقتی که جرمی انجام ندهند، مشمول این مصونیت می‌شوند بنابراین منظور از اصل ۸۶ آن است که ممکن است عمل نماینده وصف مجرمانه هم داشته باشد اما چون در مقام ایفای وظایف نمایندگی است اشکالی به وجود نمی‌آید و این فرد نباید تحت تعقیب قرار گیرد، به عنوان مثال گر نماینده‌ای در جلسه رای اعتماد به وزیر مسایلی را مطرح کند که اگر افراد عادی می‌گفتند، توهین و افترا محسوب می‌شد.

در مورد نماینده، چون در مقام ایفای وظیفه نمایندگی است، چنین مساله‌ای مطرح نیست. اما در هر حال اصل اینکه نیاز به تفسیر قانون اساسی پیدا می‌شود و گریزی هم از این مساله نیست و مرجع آن هم شورای نگهبان است، اصل پذیرفته‌شده‌ای است.

✎ چرا برخی از اصول قانون اساسی باید به گونه‌ای تفسیر شوند که هدف از بررسی و تصویب این اصل را تحت‌الشعاع قرار دهد و در اجرای این اصول تأخیر صورت گیرد؟

این را باید از شورای نگهبان پرسید. قطعاً نباید تفاسیر به گونه‌ای باشد که اساساً اصل را از محتوای آن خالی کند.

✎ اساساً تفسیر قانون چه ملاک و معیارهایی باید داشته باشد؟

این بحث مفصلی است که فرصت زیادی را می‌طلبد ولی به‌طور خلاصه اینکه باید بر اساس اصول پذیرفته‌شده در تفسیر قوانین صورت گیرد و به معنی نوعی قانون‌گذاری مجدد بگردد.

✎ برگردیم به بحث حوزه مسوولیت رییس‌جمهور. اینکه گفته شود که رییس‌جمهور فقط مسوول اجرای قانون اساسی در حوزه قوه‌مجریه است، پس چه کسی و کدام نهاد متولی اجرای قانون اساسی در نهادهای دیگر است؟

البته من این نظر را نپذیرفتم که رییس‌جمهور فقط مسوول اجرای قانون اساسی در حوزه قوه‌مجریه است.

معتقدم یک حالت بینابین است. در واقع معتقدم اگر در خارج از قوه‌مجریه نیز اصولی از قانون اساسی وجود دارد که بر زمین مانده است، رییس‌جمهور موظف است زمینه اجرای آن را فراهم کند.

اگر مشکل بودجه است بودجه را تأمین کند. اگر مشکل قانون است پیش‌نویس آن را از طریق بخش‌های حقوقی در ریاست‌جمهوری تنظیم کنند. این مساله



حسین میرمحمد صادقی

بالتر از این است که رییس‌جمهور فقط در حوزه قوه‌مجریه مسوولیت اجرای قانون اساسی را عهده‌دار باشد. اما در مواردی که مربوط به قوای دیگر است هر رییس قوه دیگر و گاهی مسوولان دیگر در داخل قوا که قانون را باید اجرا کنند به طریق اولی موظفند که قانون اساسی را هم اجرا کنند و نمی‌توانند از این وظیفه خودداری کنند.

✎ با این وجود رییس‌جمهور می‌تواند وقتی که در قوای دیگر اصولی اجرا نشده یا نقض شده تذکر یا اخطار دهد؟

این موضوع در اصل ۱۱۳ لحاظ نشده است که بتواند تذکر یا اخطار دهد. هرچند چنین امری نمی‌تواند معنی داشته باشد چون به غیر از رییس‌جمهور، حتی هر کس دیگری که مواردی از نقض قانون اساسی را ببیند هم طبعاً می‌تواند تذکر یا اخطار دهد و محدودیتی از این جهت نیست، اما اینکه برای این مساله ضمانت اجرایی وجود داشته باشد که تذکر و اخطار جزو وظایف رییس‌جمهور باشد و عدم توجه به آن ضمانت اجرایی داشته باشد، چنین موضوعی در قانون اساسی پیش‌بینی نشده است.

✎ به‌طور کلی منظور از تفکیک قوا در قانون اساسی چه بوده است؟

تفکیک قوا برای جلوگیری از دیکتاتوری ایجاد می‌شود. اینکه فردی که قانون وضع می‌کند و کسی که قضاوت می‌کند و کسی که اجرا می‌کند، مقام واحد نباشند زیرا اینگونه جلو دیکتاتوری می‌تواند گرفته شود. اینکه اصل ۵۷ قانون اساسی می‌گوید که قوا مستقل از یکدیگرند از دو جهت می‌تواند ارزیابی شود؛ یکی از باب تخصص. چون نوع کار قضا، اجرا و تقنین فرق می‌کند و طبعاً افراد مختلفی باید مسوولیت آن را برعهده بگیرند و از جهت دیگر برای اینکه اگر این قوا زیر نظر فرد واحدی باشند و او مسوولیت همه بخش‌ها را به‌تنهایی برعهده داشته باشد، این امر عملاً می‌تواند منتهج به دیکتاتوری و جمع‌شدن قدرت در یک نفر شود. قانون اساسی سعی کرده است که با توجه به تجربه قبل از انقلاب از این مساله جلوگیری کند.

✎ با اینکه یکی از اصول قانون اساسی به مساله تفکیک قوا اختصاص داده شده اما در مواقعی می‌بینیم که اقداماتی از سوی یکی از روسای قوا صورت می‌گیرد که از دید روسای دیگر این اصل را دچار خدشه می‌کند. مثل تشکیل هیات نظارت بر قانون اساسی که تشکیل‌دهندگان آن را در جهت اجرای اصول قانون اساسی دانستند.

سیاست

وظیفه کمک کنند. اگر در جایی شورای نگهبان واکنش منفی داشته شاید به دلیل آن بو ده است هم کسانی که این‌هیات‌ها را تشکیل داده‌اند عمدتاً بر اساس یکسری ملاحظات سیاسی این کار را کرده‌اند. البته شاید شورای نگهبان هم در قضاوتش از این ملاحظات سیاسی تأثیر پذیرفته است.

✎ اگر رییس‌جمهور بخواهد در اجرای قانون اساسی و جلوگیری از نقض قانون اساسی اقدام کند، چگونه باید عمل کند که استقلال قوای دیگر را هم حفظ کند؟

همان‌طور که عرض کردم این یک مشکل اصلی است. یعنی در این مورد ما خیلی ساز و کار درستی نداریم. اگر این موارد نقض قانون اساسی جنبه مجرمانه داشته باشد، البته قابل مجازات است. مثلاً مواردی که در اصل ۴۹ و اصل ۱۹ و اصل ۱۰ پیش‌بینی شده است، اگر کسی استراق‌بسم کند، تفتیش عقاید کند و از این قبیل موارد، در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده که چه ضمانت اجرایی دارد و فرد مرتکب چه مجازاتی دارد، فرقی هم نمی‌کند که مرتکب فردی عادی باشد یا از روسای قوا یا مسوولان دیگر، طبعاً چون در قانون ما همه افراد و حتی رهبر یا دیگران در مقابل قانون یکسان هستند و وقتی جرم انجام دهند، می‌توان آنها را تحت پیگرد کیفری قرار داد.

اما مواردی که اجرا نشود ولی ایسن عدم اجرا هم وصف مجرمانه نداشته باشد، مواردی است که خلأ دارد و تکلیف‌شان در قانون اساسی ما مشخص نشده است.

✎ با توجه به اختلاف‌نظرهایی که بر سر اصل ۱۱۳ قانون اساسی وجود دارد، آیا معتقد هستید که این اصل باید اصلاح شود؟

بر این اعتقادم که اگر اصل ۱۱۳ را هم نمی‌توانیم بازنگری و اصلاح کنیم، حداقل می‌توانیم بگوییم که از جمله اصولی است که اجرای آن نیازمند تدوین و تصویب قانون عادی مجمع است تا جلو اختلافات موجود و اختلاف‌نظرات گرفته شود.

✎ رییس‌جمهور آینده چگونه می‌تواند از ظرفیت‌های قانون اساسی برای پاسخگویی به نیازهای جامعه استفاده کند؟

قانون اساسی اختیارات قابل‌توجهی به رییس‌جمهور می‌دهد و برخلاف آنچه که قبل از اصلاح قانون اساسی بود که تقریباً رییس‌جمهور یک مقام تشریفاتی بود و عمده وظایف برعهده نخست‌زیر بود، امروز و در قانون اساسی وجود داشت رییس‌جمهور مسوولیت‌های مختلفی برعهده دارد.

از جمله طبق اصل ۱۲۶ مسوولیت امور برنامه، بودجه و امور اداری و استخدایم برعهده رییس‌جمهور است. وی مسوولیت انتخاب و عزل بسیاری از مسوولان را دارد. سفر را انتخاب می‌کند، لوابع در بسیاری از موارد با نظر رییس‌جمهور تنظیم شده و به مجلس فرستاده می‌شود. بنابراین به نظر من رییس‌جمهور در حدی که لازم است از اختیارات و اقتداری برخوردار است که بتواند بر اساس آن موارد انجام وظیفه کند و اصول قانون اساسی را اجرایی کند.

اگر کسی فکر می‌کند که چنین اختیاراتی ندارد یا اختیارات وی کافی نیست به نظر من اصل نامزدشدنش در انتخابات ریاست‌جمهوری زیر سوال است. چنین فردی نباید درخواست تصدی بستی را کند و سپس مدعی شود که اختیارات لازم را ندارد!

✎ چقدر آشنایی رییس‌جمهور با قانون اساسی و وظایف و اختیاراتش می‌تواند او را در پیشبرد اهداف کمک کند؟

وظیفه اولیه و مهم رییس‌جمهور فراهم آوردن زمینه اجرای قانون اساسی است و بنابراین بدون آشنایی ققیق با مفاد قانون اساسی، امکان اجرای این وظیفه مهم و حتی انجام وظایفش به عنوان رییس قوه‌مجریه و انجام سایر وظایفی که در قانون اساسی برای او پیش‌بینی شده است، غیرممکن یا بسیار دشوار می‌شود.

✎ چرا اکثر روسای‌جمهوری که بر سر کار می‌آیند قبل از انتخاب‌شدن وعده اجرای اصول اجرانشده قانون اساسی را می‌دهند اما بعداً فراموش می‌کنند؟ این سوال را باید از آنها پرسید. ولسی یک دلیل شاید نبوده‌ن احزاب در کشور ما باشد. در صورت وجود احزاب، چون حیات سیاسی آن محدود به دوره‌ای که ریاست‌جمهوری یا هر مقام دیگر از سوی اعضای آن حزب تصدی می‌شود، نیست طبعاً بیشتر مقیم به عمل کردن قول‌های خود هستند تا بتوانند در جلب نظرات مردم برای دوره‌های آتی هم موفق باشند. اما هرگاه افراد به اتکا شخص خودشان انتخاب نشده باشند به‌ویژه اگر تقدیر چندانی نسبت به رعایت قول و قرارهای خود نداشته باشند، چه‌بسا به هر ترتیب بخواهند فعلاً انتخاب شوند تا بعداً چه پیش آید.

✎ انتظاری که مردم از رییس‌جمهور آینده دارند، چیست؟

فکر می‌کنم یکی از انتظارات به حقی که مردم از نامزدهای ریاست‌جمهوری دارند، این است تکلیف حقوق ملت که در قانون اساسی است و چگونگی اجرایش مشخص نشده و تکلیف اصول بر زمین‌مانده قانون اساسی را باید روشن کنند و به مردم بگویند چه برنامه‌ها و سازوکاری را پیش‌بینی کرده‌اند که وقتی به پست ریاست‌جمهوری رسیدند این موارد را انجام دهند.

یادداشت

اجرای اصول ۲۳ و ۲۴ قانون اساسی



دکتر عباس کریمی

براساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پس از مقام رهبری، رییس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و نه‌تنها مطلق با این‌اس‌ل، ریاست قوه‌مجریه به عهده اوست، بلکه یک ماموریت مهم دیگر نیز به او در این اصل از قانون اساسی محول شده که همانا مسوولیت اجرای قانون اساسی است. مسوولیت اجرای قانون اساسی، وظیفه و اختیاری است که قانون اساسی در کنار و به موازات ریاست قوه‌مجریه به رییس‌جمهور اعطا می‌کند و بنابراین نمی‌تواند دایره این مسوولیت محدود به قوه اجرایی باشد، زیرا چنانچه چنین محدودیتی به نظر نویسندگان قانون اساسی وجود داشت، ذکر ریاست قوه‌مجریه (که برای رییس‌جمهور در کنار سایر اختیارات، این‌امکان را فراهم می‌نمود که برای اجرای قانون اساسی نیز در آن قوه نظارت کند) کفایت می‌کرد. بنابراین نباید تردیدی روا داشت که دایره شمول این مسولیت، هر سه را در بر می‌گیرد و حتی به نظر می‌رسد شورای نگهبان نیز تحت شمول این اختیارات و مسوولیت قرار گیرد و رییس‌جمهور بتواند نسبت به شورای‌نگهبان هم نقش مکمل را بازی کند و هم نقش صحیح، نقش مکمل را در زمانی که عهده می‌گیرد که نصاب تفسیر قانون اساسی توسط شورای نگهبان حاصل نگردد و در این صورت یکی از دو

نظر تفسیری شورای نگهبان که توسط رییس‌جمهور به‌عنوان مسوول اجرای قانون اساسی پذیرفته شود لازم‌الاجرا می‌گردد. زیرا هر مقام اجرایی، حق تفسیر دارد، مگر آنکه مرجع خاصی برای تفسیر، پیش‌بینی شده باشد و در قانون اساسی در زمانی که نصاب تفسیر حاصل نشود، مرجع دیگری (همانند اکثریت مطلق نصف به علاوه یک شورای نگهبان) برای تفسیر پیش‌بینی نشده است. از طرف دیگر، اگر این اختیار را برای رییس‌جمهور قایل نشویم، در جایی که برای رفع ابهام از قانون اساسی و تفسیر اصول آن، نصاب مطمع‌نظر قانون اساسی تحصیل نشود، نظام اساسی دچار بن‌بست خواهد شد

نقش صحیح ریاست‌جمهوری نسبت به شورای نگهبان در جایی قایل طرح است که شورای نگهبان در مقام تفسیر اصول قانون اساسی نظر به اختیار خود برآید و در واقع بخواهد اختیارات خود، برداشتی از قانون اساسی عرضه نماید که مخالف برداشت و تفسیر مذکرین حقوقی کشور و رویه استوار پیشین شورا یا اصول مسلم حقوقی است، رییس‌جمهور به‌عنوان مسوول اجرای قانون اساسی می‌تواند مانع نقض آشکار قانون اساسی حتی توسط شورای نگهبان شود اگر این نقش صحیح را برای ریاست‌جمهوری قایل نشویم و شورای نگهبان خود بتواند دایره اختیارات خود را تعیین کند، چنین برداشتی از قانون اساسی منجر به خودکامگی این کشور خواهد شد. در جمع‌بندی می‌توان به روشنی در مورد فرافروهای بودن این مسوولیت و اختیار رییس‌جمهور اظهارنظر نمود. وقتی روشن شد که این مسوولیت وظایفی که به موجب قانون اساسی به قانونین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسوول است.

رییس‌جمهور باید نه‌تنها ساز و کار لازم برای نظارت بر دستگاه‌های اجرایی برای منع تفتیش عقاید و سانسور نشریات و مطبوعات و تضمین آزادی بیان (جز در مواردی که قانون، آن را مطلقاً میانی اسلام یا حقوق عمومی باند) تدارک ببیند، بلکه در تمام موارد مزبور، بر دستگاه قضایی و ارکان و سازمان‌های وابسته به آن نیز حق نظارت دارد و در قبال این حق، مسوولیت و پاسخگویی به عهده اوست.

به استثنای نقض و اجرای آرا قضایی که آن هم شایسته است قانون عادی، ساز و کاری برای اعمال اختیار رییس‌جمهور پیش‌بینی نماید، رییس‌جمهور حق بازدین، اعزام نماینده، بازرسی، تذکر، ارشاد و حتی دست‌وردان را به تمام اجزای قوه‌قضاییه در رابطه با مسوولیت اجرای قانون اساسی دارد و دست‌ورات وی لازم‌الاجراست و رییس‌جمهور موظف است از تمام این ظرفیت‌ها برای اجرای قانون اساسی بهره‌برد.

«استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

دریچه

وظایف قوه‌مجریه در قانون اساسی:

مبحث اول – ریاست جمهوری و وزراء

اصل یکصد و سیزدهم: پس از مقام رهبری رییس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسوولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد.

اصل یکصد و چهاردهم: رییس‌جمهور برای مدت چهار سال با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.

اصل یکصد و پانزدهم: رییس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب شود: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

اصل یکصد و شانزدهم: نامزدهای ریاست‌جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری انتخاب رییس‌جمهوری را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و هفدهم: رییس‌جمهور با اکثریت مطلق آرا شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود، ولی هرگاه در دوره نخست هیچ‌یک از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورد روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رای گرفته می‌شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آرای بیشتری داشته‌اند شرکت می‌کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آرای بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رای داشته‌اند برای انتخاب مجدد معرفی می‌شوند.

اصل یکصد و هجدهم: مسوولیت نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری طبق اصل نودونهم برعهده شورای نگهبان است ولی قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان، برعهده انجمن نظارتی است که قانون تعیین می‌کند

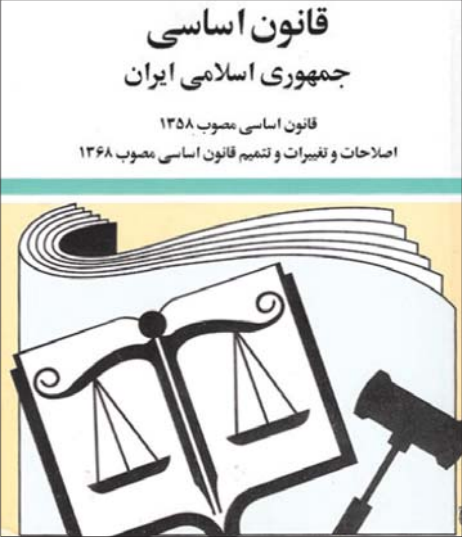
اصل یکصد و نوزدهم: انتخاب رییس‌جمهور جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست‌جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخاب رییس‌جمهور جدید و پایان دوره ریاست‌جمهوری سابق، رییس‌جمهور پیشین وظایف رییس‌جمهوری را انجام می‌دهد.

اصل یکصد و بیستم: هرگاه در فاصله ۱۰ روز پیش از رای‌گیری یکی از نامزدهایی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر می‌افتد. اگر در فاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حایز اکثریت دور نخست فوت کند، مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید می‌شود.

اصل یکصد و بیست و یکم: رییس‌جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رییس قوه قضاییه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضا می‌کند:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

من به عنوان رییس‌جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسوولیت‌هایی که برعهده گرفتم به



کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه‌الطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پاراس و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.

اصل یکصد و بیست و دوم: رییس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی به قانونین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسوول است.

اصل یکصد و بیست و سوم: رییس‌جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسوولان بگذارد.

اصل یکصد و بیست و چهارم: رییس‌جمهور می‌تواند برای انجام وظایف مشخص تعیین کند. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی با رییس‌جمهور یا قانونین عادی به نمایندگی از او است.

اصل یکصد و بیست و ششم: رییس‌جمهور مسوولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدایم کشور را مستقیماً برعهده دارد و می‌تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد.

اصل یکصد و بیست و هفتم: رییس‌جمهور می‌تواند در موارد خاص، برحسب ضرورت یا تصویب هیات وزیران نماینده، یا نمایندگان ویژه یا اختیارات مشخص تعیین کند. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رییس‌جمهور و هیات وزیران خواهد بود.

اصل یکصد و بیست و هشتم: سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رییس‌جمهور تعیین می‌شوند. رییس‌جمهور استوارنامه سفیران را امضا می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.

اصل یکصد و بیست و نهم: اعطای نشان‌های دولتی با رییس‌جمهور است.

ادامه در صفحه ۹